

دوتا ۱۵۵	در میان گذاشتن برکات ۲۹
	يك شاگرد آنچه از دوم قرننیاں ۴- ۷ یاد گرفته است در میان می گذارد .
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . در این مجموعه که در مورد در میان گذاشتن برکات رازگهان است، یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح باشید . دو معلم آنچه از رازگهانهای خود یاد گرفته اند در میان خواهند گذاشت . عنوان برنامه امروز این است : يك شاگرد آنچه از دوم قرننیاں ۴ - ۷ یاد گرفته است در میان می گذارد .

(S) نکته ۲ . در میان گذاشتن برکاتی از دوم قرننیاں ۴- ۷ .

هفته گذشته دوم قرننیاں ۴- ۷ را خوانده ایم ، بر آن تعمق کرده و در مورد آن دعا کرده ایم ، حالا می خواهیم از یادداشتهای رازگهان خود استفاده کنیم و حقایق و دروسی را در میان بگذاریم که از این قسمت یاد گرفته ایم و بعضی سئوالات این قسمت را مورد گفتگو قرار می دهیم .

در میان گذاشتن برکاتی از دوم قرننیاں فصل ۴ .

(T) میخوام از دوم قرننیاں ۴ : ۶- ۹ در مورد اینکه مسیحیان چگونه بر رنج غلبه می یابند ، مطلبی در میان بگذارم .

اول . مسیحیان در بدنهای خود گنج گرانبهای دارند .

در آیه ۶ - ۷ پولس از تصویر رژه سربازان رومی استفاده می کند که در آن مردان پشت اربابها حرکت می کردند و کوزه های سفالی را حمل می کردند که پر از غنایم جنگی بود . پولس می گوید که مسیحیان نیز در رژه مظفرانه عیسی مسیح حرکت می کنند . در حالیکه بدن مسیحیان هنوز همانند کوزه های گلی آسیب پذیر است . (ارمیاء ۱۸ : ۶) در بدن خود گنجی فوق العاده را حمل می کنند که چیزی جز خود روح القدس نیست (اول قرننیاں ۳ : ۱۶) در عین حال که جسم مسیحیان بسیار آسیب پذیر است خدا با اقتدار مطلق خود گنج الهی خود را در بدنهای آنها قرار داده است . گرچه مسیحیان اغلب با ظلم ، جفا و رنج مواجه هستند اما روح خدا به مسیحیان قدرتی الهی می بخشد تا رنج را تحمل کنند و با محبتی الهی آنانی را ببخشند که باعث رنج آنها می شوند و با فیض الهی در میان آنانی که رنج می کشند برکت باشند . خدا از طریق ضعیف بودن مسیحیان ، جلال خود را ظاهر می کند . فیض خدا برای مسیحیان کفایت می کند چون قدرت خدا در ضعف های آنها کامل و نمایان می شود (دوم قرننیاں ۱۲ : ۹) . با قدرت مافوق بشری خدا ، محبت و فیض او ، " پیروزی کامل و قطعی " از آن مسیحیان است (رومیان ۸ : ۳۷) بخصوص وقتی که آنها توسط دشمنانشان تحت ظلم و جفا باشند . و این مانع کار ظالمان و جفا کنندگان غیر مسیحی آنها می شود چون دشمنانشان فقط می توانند به توانایی های خود تکیه کنند .

دوم . مسیحیان رنج می کشند اما نابود نمی شوند .

آیه ۸ - ۹ بعضی مواردی را که پولس به عنوان يك مسیحی رنج کشیده است شرح می دهد . در بعضی مواقع او از هر طرف تحت فشار جفاکنندگان قرار داشت . او را تهدید و شکنجه می کردند تا مانع فعالیت او شوند . اما فیض بی نظیر خدا در تمام این شرایط او محافظت می کند . در بعضی شرایط مشکلات او را گیج می کردند و او راه بازگشت را نمی دانست . اما وقتی او راه چاره ای نمی یافت به معنی این نبود که خدا نیز راه حلی نداشته باشد . پس هیچگاه ناامید نمی شد . بعضی مواقع مانند حیوانی به نظر می رسید که تعقیبش می کنند اما هیچگاه خدا اجازه نداد که طعمه دشمنانش شود . خدا هرگز او را ترك نکرد . او وعده خدا در عبرانیان ۱۳ : ۵ - ۶ را تجربه کرد ، " شما را هرگز تنها نخواهم گذاشت و ترك نخواهم کرد . " بارها طوری از پا درآمد که انگار هلاک شده باشد در اعمال ۱۴ توسط جمعیت سنگسار شد و به گمان اینکه دیگر مرده است او را کشان کشان به بیرون از شهر بردند . اما واقعیت با ظاهر قضیه تفاوت داشت . او به طور معجزه آمیز برخاست و قدرت خود را دوباره بدست آورد . او هلاک نشده بود . جلال ، قدرت محبت و فیض خدا در رنج های او ظاهر می شد . و او باز هم گنج خدا را در جسم خاکی و آسیب پذیر خود حمل می کرد .

در میان گذاشتن برکاتی از دوم قرننیاں فصل ۵ .

(T) می خواهم از دوم قرننیاں ۵ : ۱ - ۱۰ در باره اینکه مسیحیان چگونه مرگ را تجربه می کنند ، مطلبی را در میان بگذارم .

اول . قیام بدنها .

اول قرننیاں ۱۵ : ۵۰ - ۵۴ و اول تسالونیکیان ۴ : ۱۳ - ۱۸ از این لحاظ مسیحیان دو دسته هستند . بسیاری از آنها قبل از آمدن ثانویه مسیح می میرند و باید منتظر بدنهای تازه و قیام کرده خود بمانند . سایر مسیحیان هنگام بازگشت مسیح زنده اند و بلافاصله تبدیل شده و بدنهای قیام کرده خود را دریافت خواهند کرد . هر دو دسته همزمان بدنهای جدید خود را دریافت خواهند کرد .

دوم . وضعیت مسیحیان مابین مرگ و قیام .

دوم قرننیاں ۵ : ۱ - ۱۰ شرح می دهد که مابین مرگ و قیام مسیحیان چه اتفاقی می افتد . پولس از خیمه ای زمینی و خانه ای آسمانی سخن می گوید . خیمه زمینی که در آن زندگی می کنیم تصویری است از جسم فانی فعلی ما که بسیار بی ثبات است . این تصویر از یوحنا ۱ : ۱۴ گرفته شده که جسم پوشیدن عیسی را به صورت " میان ما ساکن شد " شرح می دهد . خانه هایی که خدا می دهد یا " خانه ابدی آسمان " ، تصویری است از بدن قیام کرده که کاملاً قوی و با ثبات خواهد بود . این تصویر از یوحنا ۲ : ۱۹ گرفته شده که در آن ، قیام عیسی " دوباره ساختن هیكل او " وصف شده است . در هنگام مرگ ، جسم زمینی يك مسیحی به خاک باز می گردد و جان یا روح او بلافاصله به حضور خدا آورده می شود . اما برای قیامت باید تا آمدن ثانویه عیسی مسیح منتظر بماند . تا آن زمان ، او برهنه است یعنی جسم فانی جدای از او باقی می ماند و او هنوز توسط جسم قیام کرده پوشش داده نمی شود . رومیان ۸ : ۱۸ - ۲۵ می

گوید، « مسیحیان ناله می کنند چون منتظر آزادی خود از اسارت پوسیدگی جسم خود هستند ... حتی حیوانات و گیاهان نیز که گرفتار بیماری و مرگند ... در انتظار این واقعه بزرگ روز شماری میکنند. » طبیعی است دانستن این حقیقت باعث می شود مسیحیان ناله و احساس ناراحتی کنند. آنها آرزو می کنند که مسیح قبل از مرگ آنها باز گردد تا بدنهای فانی آنها بلافاصله با بدن قیام کرده پوشش داده شود. « در بر کردن لباس نو » در آیه ۲ اشاره به جسم آسمانی است که مانند لباسی اضافی روی جسم زمینی قرار می گیرد اما نه برای اینکه آن را بپوشاند بلکه جذب آن شده و آن را میبدل می کند.

سوم. مسیحیان قبل از اینکه بمیرند آرامش و اطمینان دارند.

گرچه مسیحیان از نظر جسمی می میرند اما ناامید نیستند. در هنگام خلقت هدف خدا این بود که مسیحیان با بدنهای غیرفانی خود حیات ابدی داشته باشند. با خلقت نو در مسیح خدا باز هم هدف خود را آغاز کرد و به مسیحیان روح القدس را داد تا ضمانتی باشد برای قیام آنها در آینده. مسیحیان مطمئن هستند که جسم فانی آنها توسط جسم قیام کرده و غیرفانی پوشانده می شود.

چهارم. مسیحیان با ایمان زندگی می کنند نه با دیدار. (۵ : ۷).

مسیحیان از خداوند دور هستند اما فقط از نظر دیداری و نه از نظر ایمانی. در دنیای حاضر، ایمان است که به تمام چیزهایی که مسیحیان به آن امید دارند حقیقت می بخشد. ایمان است که به همه چیزهایی که مسیحیان نمی بینند یقین می بخشد (عبرانیان ۱۱ : ۱). وقتی مسیحیان می میرند از نظر دیداری نیز با خداوند خواهند بود. وقتی مسیحیان هنگام مرگ از جسم فانی خود جدا می شوند بلافاصله با مسیح در خانه خواهند بود. (فیلیپیان ۱ : ۲۱ - ۲۳). و در زمان قیام، جسم فانی آنها بلافاصله با بدنهای قیام کرده پوشش می یابد و مجذوب آن می شود.

پنجم. مسیحیان خشنود ساختن خدا را هدف خود می سازند. (۵ : ۹ - ۱۰).

چون ممکن است عیسی مسیح در هر لحظه بازگردد و چون مسیحیان بر اساس نحوه زندگیشان بر روی زمین داوری خواهند شد، زمانی که روی زمین زندگی می کنند هدفشان خشنود ساختن مسیح خواهد بود و گرچه مسیحیان به جهنم محکوم نخواهند شد اما قطعاً بر اساس نحوه زندگیشان داوری خواهند شد. اگر آنها در خدمتشان تا به آخر وفادار بوده باشند پاداش خواهند یافت اما اگر خیانت کرده باشند و کار آنها از بین برود، متحمل ضرر خواهند شد. لوقا ۱۹ : ۱۶ - ۱۹ تعلیم می دهد که مسیح، مسیحیان را به نسبت وفاداریشان پاداش خواهد داد.

در میان گذاشتن برکاتی از دوم قرن تیان فصل ۶.

(S) می خواهیم از دوم قرن تیان ۶ : ۱۴ در رابطه با این آیه که میگوید « زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان نروید » مطلبی را در میان بگذارم.

یوغ در واقع یوغی دوگانه است که به وسیله آن دو حیوان در کنار هم کار می کنند. وسیله ای که با آن، دو حیوان را به هم می بندد و متصل می کند به طوری که آنها در یک جهت حرکت کنند، با یک سرعت راه روند، باهم بایستند و به طور کلی همه چیز را هماهنگ باهم انجام دهند. اگر یکی از حیوانات از راه راست منحرف شود دیگری را هم با خود به آن سو می کشاند. اگر یکی از آنها آرام حرکت کند و بایستد حیوان دیگر هم مجبور به آرام حرکت کردن و ایستادن می کند. اگر این دو حیوان سعی کنند دو شخص متفاوت را دنبال کنند. همدیگر را هل خواهند داد و یا خواهند کشاند و در نتیجه هیچ پیشرفتی صورت نخواهد گرفت. به همین صورت، مسیحی که با غیر مسیحی زیر یوغ نابرابر می رود در می یابد که چطور آن شخص او را از راه راست خدا به طرف دیگر می کشاند، رشدش را کند می کند و حتی او را تحت فشار قرار می دهد تا دست از ایمانش بکشد. پس یک مسیحی نباید با ایجاد ارتباط صمیمانه و تعهد آمیز با غیر مسیحیان به زندگی مسیحی خود لطمه بزند.

در این اولین نامه به قرن تیان، پولس از « ارتباط تحت یوغ » و سازشکارانه چند مثال می آورد که آنها را خدا قدغن کرده است. می خواهیم از چنین ارتباطات تحت یوغ و سازشکارانه خود داری کنم.

اول. یک مسیحی نباید با مسیحی دیگری که مانند غیر مسیحیان رفتار می کند زیر یوغ مشابه ای برود.

اول قرن تیان ۵ : ۹ - ۱۱ می گوید، « در نامه قبلی نوشتم ... که اگر کسی از بین خودتان ادعا می کند که برادر مسیحی شماست اما در عین حال زناکار، طمع کار، بد زبان، بت پرست مشروب خوار و یا فریب کار است با او معاشرت نکنید با چنین کسی حتی بر سر سفره هم ننشینید. » کتاب مقدس مسیحیان را از داشتن ارتباط با مسیحیان ظاهری، که مانند غیر مسیحیان رفتار می کنند، منع می کند.

دوم. یک مسیحی نباید با یک غیر مسیحی زیر یوغ مشابه ای برود.

اول قرن تیان ۶ : ۵ - ۶ می گوید، « این را می گویم تا خجالت بکشید. آیا در تمام کلیسای شما یک شخص دانا پیدا نمی شود که به این اختلافات رسیدگی کند؟ آیا این صحیح است که ایماندار علیه ایماندار به دادگاه شکایت کند و بی ایمانان به اختلافاتشان رسیدگی کنند؟ » کتاب مقدس، مسیحیان را منع می کند که اختلافات حقوقی شان را به نزد قاضیان غیر مسیحی ببرند. وقتی یک مسیحی با مسیحی دیگری دچار اختلاف حقوقی می شود باید به مسیحیان حکیم کلیسا اجازه دهند که در مورد اختلافشان داوری کنند. و اگر اختلافشان غیر قابل حل است بهتر است رنج متضرر شدن را بپذیرند و قضاوت نهایی را به دست خدا بسپارند. «

سوم. یک مسیحی نباید با شریک قانونی زندگی شخص دیگری، رابطه جنسی داشته و زیر یوغ مشابه ای برود.

اول قرن تیان ۶ : ۱۵ - ۱۷ می گوید، « آیا می دانید که بدنهای شما در حقیقت اجزاء و اعضای بدن مسیح است؟ پس آیا درست است که بدن خود را که ارزش والایی دارد با بدن یک فاحشه پیوند بزنم؟ هرگز. زیرا قطعاً می دانید که اگر مردی با زنی بدکاره رابطه جنسی داشته باشد آن زن قسمتی از وجود آن مرد می گردد و آن مرد نیز قسمتی از وجود آن زن. خدا نیز در کتاب آسمانی می فرماید که در نظر او آن دو نفر یکی می گردند. اما اگر خود را به خداوند تقدیم کنید با او یکی خواهید شد. » کتاب مقدس به مسیحیان دستور می دهد که تحت هیچ شرایطی خارج از ازدواج هیچ رابطه جنسی دیگری نداشته باشند، رابطه جنسی اختراع و آفریده خدا است و

خود خدا به رابطه جنسی در چارچوب يك ازدواج قانونی اجازه داده است . به علاوه چون يك مسیحی با خود خدا اتحاد روحانی دارد نباید این رابطه خود را با فساد جنسی تخریب کند .

چهارم . يك مسیحی نباید با يك غير مسیحی در ازدواج یا آشنایی و معاشرت با او زیر یوغ مشابه ای برود .

اول قرن نهم : ۷ : ۳۹ می گوید ، ” زن تا زمانی که شوهرش زنده است قسمتی از وجود اوست . ولی اگر شوهرش فوت کند می تواند دوباره از ازدواج نماید اما فقط با يك مسیحی . “ کتاب مقدس به مسیحیان دستور می دهد که فقط با يك مسیحی ازدواج کنند یا ازدواج مجدد داشته باشد . يك مسیحی کسی است که واقعا متعلق به خداوند است یعنی خدا به واسطه روح القدس در او زندگی می کند و فعالانه زندگی او را هدایت می کند . دوم قرن نهم : ۶ : ۱۴ بوضوح میگوید که يك ایماندار نباید درگیر ارتباط تحت یوغ نابرابر با يك بی ایمان شود . این نتیجه گیری شامل روابط خاصی می شود که به منظور ازدواج برقرار می شود . در واقع حتی دوستی نزدیک با يك غير مسیحی موضوع خطرناکی است . وقتی دو نفر باهم دوست صمیمی می شوند عمیقترین افکار و احساسات خود را با هم در میان می گذارند و آنچه از هم شنیده اند برای مدتها به خاطر خواهند داشت . پس آنها به هم وابسته می شوند و عمیقا بر هم تاثیر می گذارند . دوستی بسیار نزدیک با يك غير مسیحی تبدیل به يك ارتباط تحت یوغ ناموافق می شود . مسیحیان نمی توانند به سادگی و با بی تفاوتی از کنار آرزوها و ارزشها و هدفهای غير مسیحیان بگذرند . او بالاخره توسط شخص غير مسیحی به طرف آرزوها ، ارزشها و اهداف دنیوی او کشیده می شود . و یا با اعتقادات مذهبی ، ارزشها و فرهنگ آن شخص از مسیح دور خواهد شد . و اعتقادات او بر ایمان و رفتار شخص مسیحی تاثیر خواهد گذاشت . از آنجایی که رابطه خاص آشنایی و معاشرت به منظور ازدواج هم جزء این روابط بسیار نزدیک محسوب می شود ، يك مسیحی نباید با غير مسیحی چنین ارتباطی داشته باشد .

پنجم . يك مسیحی نباید با شرکت در مهمانیهای وحشیانه با غير مسیحیان زیر یوغ مشابه ای برود .

اول قرن نهم : ۱۰ : ۷ می گوید : ” و همچون آنان به سوی پرستش بتهانای نروم . “ کتاب آسمانی می فرماید : که بنی اسرائیل به هنگام پرستش گوساله طلایی برای خوردن و نوشیدن نشستند و برای رقصیدن به پا خواستند . “ کتاب مقدس ، مسیحیان را از شرکت در مراسم بت پرستی منع می کند . از خصوصیات این گونه جشن ها افراط و عدم کنترل خود است . مردم در این جشن ها زیاد می خوردند و بخصوص بیش از حد الکل می نوشیدند ، اغلب این جشن ها همراه با رقص های وحشیانه ، موسیقی بلند، فریاد زدن و جوکهای کثیف است (اول پطرس ۴ : ۳-۵ ، افسسیان ۵ : ۳-۵) ، و عده ای مرتکب اعمال شهوت آمیز زنا یا مذاهب خرافی پنهانی میشوند .

در میان گذاشتن برکاتی از دوم قرن نهم فصل ۷ .

(T) می خواهیم از دوم قرن نهم : ۷ : ۸-۱۳ درباره **فرق بین غم دنیوی و غم الهی** مطلبی را در میان بگذاریم . در اولین نامه به کلیسای قرن نهم (اول قرن نهم : ۵) ، پولس کلیسا را توبیخ می کند که آن برادری را که علنا در فساد جنسی زندگی می کند تنبیه نکرده اند . مسیحیان قرن نهم ، گناه غير قابل قبولی را در بین خود تحمل می کردند . گرچه مسیحیان قرن نهم احساس کردند که پولس با اولین نامه خود به آنها لطمه زده است اما با بیرون کردن آن برادر به نامه او پاسخ دادند . حالا در نامه دوم پولس می گوید که قصد او از نوشتن نامه اول آسیب زدن به آنها نبود بلکه آنها را به توبه بکشاند . اولی می گوید ، ” پس دیگر از فرستادن آن نامه پشیمان نیستم البته تا مدتی از این کار ناراحت بودم چون می دانستم که آن نامه هر چند برای مدتی کوتاه شما را بسیار غمگین ساخته است . اما اکنون خوشحالم که آن را فرستادم نه برای اینکه شما را ناراحت کرد بلکه به این دلیل که تاثیر ناشی از آن شما را به سوی خدا بازگرداند این غم طبق خواست خدا بود بنابراین ضروری از جانب ما به شما نرسید (۷ : ۸) .

اول . غم دنیوی عکس العمل غير مسیحیان است .

در غم دنیوی مردم نسبت به آنچه از دست می دهند احساس ناراحتی می کنند و عکس العمل آنها خودمحو رانه است . اگر مسیحیان قرن نهم واقعا مسیحی نبودند با غم دنیوی عکس العمل نشان می دادند . می توانستند با ریاکاری خود را توجیه کنند و یا حتی با تلخی در مورد او بدگویی کنند . ممکن بود با توبیخ و ابراز تاسف پولس به دلیل عواقب دردناک و ناخواسته گناهانشان ، احساساتشان جریحه دار شود ، و به جای پشیمانی واقعی برای خود دلسوزی کنند ، به جای اینکه به سوی خدا بازگردند با او مخالفت کنند . عیسو نمونه ای از غم دنیوی است ، در عبرانیان ۱۲ : ۱۶-۱۷ می خوانیم که او نخست حق وراثت خود را فروخت و بعد از اینکه پذیرفته نشد سعی کرد که فکر اسحاق را عوض کند و با گریه برکت را پس بگیرد . ” غم این دنیا غمی نیست که باعث توبه از گناه شود و از هلاکت ابدی جلوگیری کند “ (۷ : ۱۰) ، در داورى نهایی بی ایمانان و نامطیعان همه دچار غم دنیوی خواهند شد که منجر به گریه و اندوه شدید در جهنم خواهد شد (متی ۱۳ : ۴۲) ،

دوم . مسیحیان با غم الهی عکس العمل نشان می دهند .

در غم الهی مردم نسبت به اشتباهی که در ارتباط خدا و سایر انسانها انجام داده اند احساس تاسف می کنند . مسیحیان قرن نهم ، مسیحیان واقعی بودند و با غم الهی که نسبت به توبیخ پولس نشان دادند این حقیقت را اثبات کردند . آنها صادقانه متأسف شدند همانطور که خدا انتظار داشت . ” چنین غمی سبب می شود که انسان از گناه دست بکشد و در جستجوی زندگی جاوید برآید . “ (۷ : ۱۰) . این عبارت را مشکل می توان درک کرد . اگر مسیحیان قرن نهم از تحمل گناه جنسی که در بین آنها علنا وجود داشت توبه نمی کردند به جای از دست دادن نجات ، پاداش خود را از دست می دادند . مفهوم این قسمت نمی تواند این باشد که توبه ، منشاء نجات است یا نجات ، هدف یا نتیجه توبه است . منشاء نجات ، هیچگاه توبه انسان نبوده بلکه همیشه فیض خدا است . مسیحیان قرن نهم از تحمل گناه در کلیسایشان توبه کردند . این عبارت به این معنی است که توبه آنها به نجاتشان اشاره می کند یعنی توبه آنها ثابت می کند که آنها واقعا نجات یافته اند . این حقیقت واقعا پولس و تیموتائوس را تشویق می کند (۷ : ۱۳) . داود نمونه دیگری است که غم الهی ، منشاء توبه است . در مزمو ۵۱ او می گوید ، ” از گناه چشم بپوش و همه خطاهایم را محو کن خدایا دلی پاک در درون من بیافرین و از نو ، روحی راست به من عطا کن . “

سوم . غم الهی همیشه به نتایج خوب بسیار منتهی می شود .

در آیه ۱۱ در مورد ثمره با ارزش غم الهی می خوانیم ، ” ببینید این غمی که از سوی خداوند بود برای شما چه نتایج خوبی به بار آورد باعث شد که از حالت بی تفاوتی بیرون آمده به طور جدی تصمیم بگیرید که خود را از قید گناهی که درباره اش نوشته بودم رهایی دهید . آنچنان از آن رویداد وحشت کردید که آرزو داشتید به کمکتان بشتابم و چه خوب که خودتان مشکلاتان را از میان برداشتید و آن شخص را که گناه کرده بود مجازات نمودید آنچه لازم بود کردید تا آن لکه را از دامن خود پاک کنید . “ برعکس بی توجهی و بی تفاوتی که قبلا نسبت به گناه داشتند حالا در ” رهایی خود از قید گناه “ بسیار جدی بودند و مشتاق بودند تا دوباره همه چیز را اصلاح کنند . خشم آنها به خاطر برادر خطاکار نبود بلکه به خاطر خودشان بود که اجازه دادند چنین آبروریزی بدون رسیدگی ادامه پیدا کند . آنها نام خدا را بی حرمت کرده بودند . وحشت و یا ترس آنها زیاد به خاطر مجازات خدا نبود بلکه به خاطر اقتدار رسالتی پولس که می توانست آنها را داوری کند (اول قرن نین ۴ : ۱۱) . آنها مشتاق بودند تا همان رابطه ای را با پولس داشته باشند که بر پایه اعتماد و محبت بنا شده بود . غیرت آنها به خاطر این بود که اقتدار رسالتی پولس در بین آنها دوباره برقرار باشد . آماده بودند تا با تنبیه گناهکاران و رد کردن انبیاء دروغینی که در کلیسای آنها نفوذ کرده بودند داوری آنها را ببینند و با نظم بخشیدن به کلیسایشان ثابت کردند که در ارتباط با گناه جنسی آن برادر و تعالیم کاذب انبیاء دروغین بی گناه هستند . آنها از خود عکس العمل و ” غم الهی “ را نشان دادند . در ارتباط با این موضوع ، گذشته اصلاح گردید .

مانند داود در عهد عتیق و قرن نین در عهد جدید می خواهم با توبه واقعی از گناهانم ” غم الهی “ را از خود نشان دهم .

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول . دوم قرن نین ۸ تا ۱۱ را به هفت قسمت تقسیم کنید . هر روز با يك قسمت رازگهان داشته باشید . حاصل تعمق تمام رازگانهای خود را یادداشت کنید . هفته ای یکبار با یکی از دوستان یا در يك مشارکت خانگی یا گروه شاگردی رازگانهای خود را در میان بگذارید .

دوم . کتابهای دستور عمل ” بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید ” را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید . سوم . هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه ” دوره شاگردسازی از رادیو ” گوش کنید .